

حل مشکلات ارزی و تورم در گرو فرماندهی واحد اقتصادی

تلاش دولت برای هماهنگ‌سازی سیاست‌های پولی و مالی به اختلافات بانک‌مرکزی و وزارت اقتصاد پایان می‌دهد؟

سکبان فرمان اقتصاد ایران اغلب در دست بیش از یک فرمانده بوده است؛ گاهی این نقش به وزیر اقتصاد، زمانی رئیس کل بانک مرکزی در دوره‌هایی سازمان برنامه و بودجه یا حتی معاون اول رئیس‌جمهور در مقام هماهنگ‌کننده سپرده شده است. نتیجه این تعدد نهاد‌های تصمیم‌گیرنده آثار منفی در شاخص‌های کلان اقتصادی به وجود آورده است. با افزایش نوسانات ارزی و تورمی اخیراً این اختلافات در وزارت اقتصاد و بانک مرکزی به شکل دیگری ادامه پیدا کرده و حالا براساس اظهارات اخیر رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، دولت در تلاش است به عنوان میانجی اختلافات راه‌حل و هماهنگی‌ها در سیاست‌های پولی و مالی را افزایش دهد. کارشناسان دوگانگی تصمیمات را مهم‌ترین مانع ثبات و رشد پایدار می‌دانند و معتقدند باید اراده‌ای واحد باشد تا سیاست‌های مالی و پولی با هم تنظیم شوند.

■ ■ ■

اخیراً با اظهار نظر صریح وزیر اقتصاد با این مضمون که «وزارت اقتصاد «هیچ نقشی در تصمیم‌گیری‌های ارزی ندارد» و تنها ناظر است اختلافات میان بانک مرکزی و وزارت اقتصاد مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. طبق قانون بانک مرکزی (مصوب آذر ۱۴۰۲)، تمام اختیارات مربوط به سیاست‌های پولی و ارزی کشور به رئیس‌کل بانک مرکزی واگذار شده است. براین اساس مسئول اصلی وضعیت تورم و نرخ ارز دیگر وزارت اقتصاد نیست، بلکه بانک مرکزی است که از قضا در برابر سیاست‌های خود در مجلس نیز پاسخگو نیست. از این رو در سال‌های گذشته، قربانی نوسانات شدید ارزی وزرای اقتصادی بودند که زیر تیغ استیضاح‌کنندگان قرار گرفته‌اند.

با این همه، بسیاری از کارشناسان بر نقش وزارت اقتصاد و به طور کلی دولت در تدوین سیاست‌های پولی و مالی تأکید دارند و معتقدند که بانک مرکزی به نوعی مأمور اجرای این سیاست‌هاست. در واقع به گفته این دسته از کارشناسان اگر چه بانک مرکزی در اجرای موفقیت‌آمیز یا غیرموفقیت‌آمیز سیاست‌های پولی باید پاسخگو باشد، اما به طور کلی نمی‌توان نقش وزارت اقتصاد را در این موضوع نادیده گرفت. در واقع تصمیمات کلان اقتصادی در

دولت اتخاذ می‌شود و البته این به معنای عدم نقش آفرینی بانک مرکزی در تصمیم‌سازی و اجرایی کردن تصمیمات به نحو مطلوب نیست. بر این اساس از مجموع اظهار نظر کارشناسان این گونه استنباط می‌شود که بانک مرکزی به تنهایی نمی‌تواند بدون هماهنگی با دولت موفق به کنترل تورم و مدیریت نرخ ارز شود.

■ **عدم بازگشت ۹۵ میلیارد دلار ارز صادراتی حاصل مدیریت ناهمگون**

ماحصل مدیریت ناهمگون تصمیمات، منجر به هر ریختگی سیاست‌های پولی و مالی و کم‌اظهاری صادرکنندگان، عدم بازگشت ارز و تورم و کمبود کالاهای اساسی در دوره‌های

مختلف شده است.

به عنوان مثال، بررسی جزئیات صادرات غیرنفتی کشور از سال ۹۷ تاکنون حاکی است، طی این مدت از مجموع بیش از ۲۷۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی کشور بیش از ۹۵/۶ میلیارد دلار آن بازنگشته است.

حسین مصصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در واکنش به سخنان اخیر رئیس‌جمهور درباره کمبود منابع ارزی، در صفحه شخصی خود نوشت: رئیس‌جمهور محترم فرمودند، الان یک میلیارد دلار نداریم، باید چانه بزنی‌م از کجا پیدا کنیم؟! در حالی که طی هفت سال اخیر نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار ارز صادراتی به کشور بازنگشته است. اگر قانون را درست اجرا کنید، ارز

اضافی هم خواهیم داشت.

براساس آمار رسمی منتشر شده از سال ۱۳۹۷ تاکنون حدود ۲۷۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی (به جز صادرات بخش دولتی شامل نفت، برقی، گاز طبیعی و...) انجام شده که از این میزان، حدود ۹۵ میلیارد دلار آن معادل ۳۵ درصد کل صادرات به چر خه رسمی کشور بازنگشته است.

همچنین فقط در دولت چهاردهم (از سال ۱۴۰۱ تاکنون)، از مجموع ۱۴۶ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی، بیش از ۵۶ میلیارد دلار، یعنی حدود ۳۸ درصد هنوز به کشور بازنگشته است.

مطابق قانون، عدم بازگشت ارز حاصل از صادرات



محمد مهدی صافی | جوان

مصادق قاچاق کالا و ارز محسوب می‌شود، اما به گفته کارشناسان، مدیریت ناهمگون در اجرای قانون باعث شده بخش بزرگی از ارزهای صادراتی در خارج از کشور بلوکه یا صرف واردات غیررسمی شود.

■ **سردرگمی تجار با تعدد فرماندهان اقتصادی**

در چنین شرایطی، تجار و فعالان اقتصادی نیز از سیاست‌های متناقض و غیرشفاف ارزی گلایه دارند؛ از حذف تازگهانی ثبت سفارش تا تغییر مداوم در نرخ و نوع تخصیص ارز که فضای تجارت را بی ثبات کرده است.

عضو هیئت‌رئیس کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط‌زیست مجلس شورای



بر اساس آمار رسمی منتشر شده از سال ۱۳۹۷ تاکنون حدود ۲۷۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی (به جز صادرات بخش دولتی شامل نفت، برقی، گاز طبیعی و...) انجام شده که از این میزان، حدود ۹۵ میلیارد دلار آن معادل ۳۵ درصد کل صادرات به چرخه رسمی کشور بازنگشته است. همچنین فقط در دولت چهاردهم (از سال ۱۴۰۱ تاکنون)، از مجموع ۴۶ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی، بیش از ۵۶ میلیارد دلار، یعنی حدود ۳۸ درصد هنوز به کشور بازنگشته است

اسلامی با انتقاد از سردرگمی در سیاست‌های پولی و مالی گفت: عدم شفافیت و بی‌التکلیفی در سیاست ارزی موجب کمبود نهاده، سردرگمی واردکنندگان و در نهایت افزایش قیمت گوشت قرمز و مرغ در بازار شده است.

حامد یزدیان، در گفت‌وگو با خانه ملت با اشاره به کاهش سهم ارز ترجیحی و واردات نهاده‌ها اظهار کرد: در ابتدای سال جاری، ارز تخصیصی برای نهاده‌های دامی نسبت به سال گذشته حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش یافته بود، اما در ادامه اعلام شد تخصیص ارز مانند سال‌های قبل ادامه دارد؛ این تناقض موجب سردرگمی واردکنندگان و تأمین‌کنندگان نهاده شده است.

وی ادامه داد: در چنین شرایطی برخی واردکنندگان تصور می‌کنند ارز دولتی برای این حوزه به پایان رسیده و نمی‌دانند تخصیص جدید با چه نرخ‌ی انجام خواهد شد؛ به همین دلیل، هم کمبود نهاده در بازار ایجاد شده و هم قیمت‌ها به صورت بی‌رویه افزایش یافته است.

■ **سیاست‌های مالی و پولی با فرماندهی واحد تنظیم شوند**

مهدی دانشمند، استاد دانشگاه در گفت‌وگو با «جوان» ایجاد ستاد فرماندهی اقتصادی واحد را راهکار حل مسائل پولی و مالی عنوان کرد و گفت: دولت باید یک ستاد هماهنگی سیاست‌های پولی و مالی زیر نظر مستقیم رئیس‌جمهور تشکیل دهد تا وزارت اقتصاد، بانک

مرکزی و سازمان برنامه در چارچوب یک نقشه راه مشترک عمل کنند.

وی با بیان اینکه تصمیمات ارزی و مالی بدون مرجع واحد به اشتغلی و تلاطم منجر می‌شود، افزود: مسئله اصلی در ساختار تصمیم‌گیری نهفته است، بنابراین نه وزارت اقتصاد و نه بانک مرکزی به تنهایی نمی‌توانند فرمانده باشند.

این استاد دانشگاه با تأکید بر ضرورت یکپارچگی تصمیمات پولی و مالی افزود: اگر وزارت اقتصاد بودجه انبساطی تنظیم کند، بانک مرکزی هرچقدر هم سیاست پولی سختگیرانه بگیرد، تورم کنترل نخواهد شد، بنابراین باید بخش‌های هدف مشترک بین دو نهاد تعریف شود.

دانشمند ضمن تأکید بر ضرورت پاسخگویی واحد در برابر نتایج اقتصادی تصریح کرد: تا زمانی که نهادها بتوانند مسئولیت تازگامی‌ها را به گردن یکدیگر بیندازند، هیچ اصلاحی پایدار نخواهد بود و چرخه تکراری ناهماهنگی و بحران‌های ارزی ادامه خواهد داشت.

■ **ریش‌سفیدی دولت برای حل اختلافات ارزی**

باید از اراده‌ای واحد بالای سر همه باشد تا سیاست‌های مالی و پولی با هم تنظیم شوند؛ اراده‌ای که هنوز شکل نگرفته و در نتیجه اقتصاد ایران همچنان با دو فرمانده پیش می‌رود و شاید همین دوگانگی مهم‌ترین مانع ثبات و رشد پایدار باشد.

سیدشمس‌الدین حسینی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس به تازگی در گفت‌وگویی تأکید کرده است که دولت باید در قالب تیم اقتصادی فاصله‌ها را در تصمیم‌گیری بانک مرکزی و وزارت اقتصاد از میان بردارد. وی در ادامه افزود: رئیس‌جمهور در قالب تیم اقتصادی در تلاش است هماهنگی بین وزارت اقتصاد و بانک مرکزی را افزایش دهد.

سیدشمس‌الدین حسینی، رئیس‌جمهور نیز به تازگی در جریان جلسه با اعضای اتاق بازرگانی و همچنین نشست با رئیس کل بانک مرکزی، از تخصیص ارز بر اساس رابطه‌بازی و رانت شدید انتقاد کرد و وعده تغییرات اساسی را داد. رئیس‌جمهور وعده داد سیاست‌های ارزی به زودی اصلاح خواهند شد تا صدای بخش خصوصی شنیده شود.

آیا دولت چهاردهم می‌تواند با ایجاد فرماندهی واحد اقتصادی این گره تاریخی را باز کند؟

وزرای صمت و نفت ایجاد مخازن ذخیره‌سازی گاز را جدی بگیرند

سیدعلی مرتضوی، کارشناس حوزه سیاستگذاری اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان»

الزامات سرمایه‌گذاری صنایع در زمینه ایجاد مخازن ذخیره‌سازی گاز و همچنین افزایش سهم ذخیره‌سازی را در تأمین گاز کشور تشریح کرد



باید توجه داشت که بحران ناترازی گاز برای ایران تنها یک تهدید نیست، بلکه فرصتی تاریخی برای اصلاح ساختار انرژی کشور است. اگر صنایع به صورت جدی وارد عرصه ذخیره‌سازی شوند، می‌توانند نه تنها زیان‌های فصلی خود را حذف کنند، بلکه به یکی از ارکان امنیت انرژی کشور تبدیل شوند. استمرار تولید در زمستان، افزایش صادرات، تثبیت اشتغال و کاهش وابستگی به بودجه عمومی، همگی پیامدهای مستقیم این سیاست خواهند بود

در این بخش هزینه شود.

همه این عوامل، ضربه اصلی به کشور در حوزه توقف رشد تولید و توقف ارزش‌آوری از محل توقف تولید صنایع بزرگ و صادرات‌محور کشور است که قطعی‌سازی این صنایع، عدم‌النفی چند دهه‌میلیارد دلاری به کشور تحمیل می‌کند. بنابراین باید تمرکز وزارت صمت و نفت به عنوان متولیان حوزه تأمین گاز جهت تهیه سوخت صنایع بر این بخش باشد به خصوص که این صنایع بزرگ، منابع مالی عظیمی دارند که می‌تواند در این بخش هزینه شود.

مرتضوی افزود: صنایع برای استمرار تولید در دوره‌های بحران ناچار به استفاده از سوخت‌های مایع مانند مازوت یا گازوئیل هستند که هم‌الایندتر و هم پرهزینه‌ترند. نتیجه، افزایش هزینه تولید، کاهش بهره‌وری و در نهایت کاهش قدرت رقابت محصولات ایرانی در بازارهای جهانی است. به همین دلیل، ایجاد زیرساخت‌های ذخیره‌سازی گاز از سوی خود صنایع می‌تواند یکی از بنیادی‌ترین اصلاحات ساختاری در نظام انرژی ایران است. ایده اصلی این است که صنایع بتوانند در فصول گرم سال، زمانی که مصرف خانگی پایین و قیمت گاز ارزان‌تر است، بخشی از گاز مورد نیاز خود را خریداری، ذخیره و در فصل سرد مورد استفاده قرار دهند. به این ترتیب، بحران کمبود گاز در زمستان به جای توقف تولید با تکیه بر ذخایر پیش‌بینی‌شده مدیریت می‌شود. این مدل در بسیاری از کشورهای صنعتی جهان اجرا شده و توانسته است امنیت انرژی بخش تولید را تضمین کند. تجربه تأمین گاز صنایع در اروپا حتی در سخت‌ترین شرایط پس از جنگ روسیه با اوکراین نیز به خوبی بیانگر اهمیت سرمایه‌گذاری صنایع در بخش ذخیره‌سازی است.

این کارشناس حوزه سیاستگذاری اقتصادی با اشاره به اهمیت تأمین سرمایه از سوی صنایع برای ایجاد ذخیره‌سازی گاز گفت: مشارکت صنایع در ذخیره‌سازی گاز، نوعی انتقال بار سرمایه‌گذاری از بودجه

سرمایه‌گذاری صنایع در ایجاد مخازن ذخیره‌سازی گاز، کلید عبور از بحران ناترازی انرژی در ایران است. وزارت صمت باید صنایع را به سمت سرمایه‌گذاری در این بخش هدایت کند و وزارت نفت نیز همکاری لازم را برای بر کردن ذخایر ایجاد شده در ماه‌های منتهی به آبان هر سال فراهم کند تا به این ترتیب، قطعی گاز صنایع و عدم‌النفع ۲۰ میلیارد دلاری ناترازی گاز، با این سیاست به طور کامل از بین برود.

■ ■ ■

یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران در سال‌های اخیر، ناترازی گاز طبیعی در فصول سرد سال است؛ مسئله‌ای که هر زمستان بخش قابل توجهی از صنایع بزرگ کشور را با توقف یا محدودیت تولید مواجه می‌سازد و آثار اقتصادی، اجتماعی و صادراتی گسترده‌ای بر جای می‌گذارد. این ناترازی در حالی رخ می‌دهد که ایران از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر گاز طبیعی در جهان است و بخش قابل توجهی از مشکلات فعلی ناشی از نبود زیرساخت‌های ذخیره‌سازی گاز و عدم مدیریت علمی تقاضاست.

صنایع بزرگ کشور، به‌ویژه فولاد، پتروشیمی و سیمان از اولین قربانیان کمبود گاز در زمستان هستند. با افت دما و افزایش مصرف خانگی، وزارت نفت ناگزیر می‌شود گاز این صنایع را قطع یا محدود کند تا شبکه سراسری دچار افت فشار نشود. براساس آمارهای رسمی، توقف تولید در صنایع بزرگ به دلیل قطع یا محدودیت گاز در زمستان، سالانه موجب حدود ۲۰ میلیارد دلار عدم‌النفع اقتصادی برای کشور می‌شود. صنایع فولاد، پتروشیمی، سیمان و آلومینیوم بیشترین آسیب را از این وضعیت می‌بینند. علاوه بر زیان مالی، این توقف‌ها باعث اختلال در زنجیره تأمین، افزایش بیکاری فصلی، کاهش صادرات و آسیب به برند بین‌المللی صنایع ایرانی می‌شود.

مسئله ناترازی گاز صرفاً ناشی از کمبود منابع زیرزمینی نیست، بلکه نتیجه عدم سرمایه‌گذاری کافی در زیرساخت‌های ذخیره‌سازی و مدیریت فصلی مصرف است. کشورهایی که حتی منابع گازی بسیار محدودتری نسبت به ایران دارند، از طریق ایجاد مخازن ذخیره‌سازی گسترده، توانسته‌اند مصرف گاز خود را در طول سال متعادل کنند و از شوک‌های فصلی و سیاسی مصون بمانند، در حالی که در ایران، تقریباً سهم ذخیره‌سازی از کل مصرف سالانه گاز کشور، کمتر از یک درصد است؛ این رقم در اروپا بیش از ۲۰ درصد، در آمریکا حدود ۱۸ درصد و در چین نزدیک به ۱۰ درصد است.

در چنین شرایطی، سرمایه‌گذاری صنایع در ایجاد و بهره‌برداری از مخازن ذخیره‌سازی گاز با عنوان یک راهبرد راه‌حل‌محور و پایدار مطرح می‌شود. ایجاد زیرساخت ذخیره‌سازی گاز، به صنایع امکان می‌دهد در فصول گرم سال، گاز ارزان‌تر را خریداری و ذخیره و در دوره‌های اوج مصرف، از این ذخایر استفاده کنند. بدین ترتیب، تولید در زمستان